

### بیانات در مراسم بیعت افشار مختلف مردم / ۱۳۴۸/۰۲/۱۲

راز را که ما کشف کرده‌ایم و آن را عامل اصلی پیروزی انقلاب می‌دانیم، مجموعه‌ی دشمنان ما، یعنی استکبار و قلدرهای دنیا و صاحبان زور و زر و مرتجعان وابسته و مزدور نیز آن را کشف کرده‌اند و به علت اصلی عظمت ملت ایران و پیروزی او پی برده‌اند و درست مثل صدر اسلام و دوران پیامبر اکرم(ص)، با تمام قوت و قدرت برای کوییدن ایمان مردم بسیج شده‌اند. بنابراین، عامل عمده‌ی دشمنیها ایمان است، و استکبار فهمیده است که این ملت به برکت ایمان متحد شد و رهبر خود را انتخاب کرد و از قدرتهای بزرگ دنیا ترسید. آنها متوجه شدند که همه‌ی موفقیتها و پیشرفت‌های ما به برکت ایمان به دست آمده است؛ لذا با ایمان و اسلام ما دشمن شدند و با روشهای تبلیغاتی و سیاسی خود سعی کردند چهره‌ی واقعی اسلام و انقلاب را مخدوش کنند. آنها به خیال خود به ما دشنام می‌دهند و ما را بنیادگرا می‌خوانند! در حالی که این کار، تعریف از ماست.

ما افتخار می‌کنیم که به اصول و بنیادهای اسلامی برگشته‌ایم؛ این راز قوت و قدرت ماست. در این چند سال، تمام تبلیغات استکبار جهانی بر روی اهانت به ایمان اسلامی مردم ما متمرکز بوده است. مردم ما از کسانی که نسبت به اسلام و ایمان اسلامی آنها به هر شکلی اهانت کنند، نخواهند گذشت. اسلام و ایمان اسلامی، مایه‌ی عزت و نصرت ماست و دنیا و آخرت ما را اصلاح خواهد کرد.

### بیانات در دیدار میهمانان خارجی مراسم اربعین امام خمینی(ره) / ۱۳۴۸/۰۲/۲۳

از اولین روزی که نهضت اسلامی در ایران به رهبری امام عظیم‌النشان و بزرگوار ما آغاز شد، یکی از اصلی‌ترین مواد داعیه‌های این نهضت، عبارت از وحدت مسلمین در سرتاسر عالم و کوتاه کردن دست قدرتهای ستمگر و متجاوز از سر مسلمانان بود. این پیام، همچنان پیام انقلاب ماست.

رسانه‌های صهیونیستی با جنجال و هوچیگری، ما را به بنیادگرایی نسبت می‌دهند؛ درحالی که اگر بنیادگرایی را به معنای بازگشت به اصول و بنیادهای اسلامی بدانیم، بزرگترین افتخار را به دست آورده‌ایم. مسلمانان در هیچ نقطه‌ی عالم نباید از نام اصولگرا و بنیادگرا تخاصی کنند. اصول مقدس اسلام، تضمین‌کننده‌ی سعادت انسانهاست. دست استعمار، اصول را در زندگی ما کم‌رنگ و ضعیف کرد؛ ولی اینک ما افتخار می‌کنیم که به اصول اسلامی و قرآنی برگردیم.

### بیانات در دیدار ائمه‌ی جمعه و افشار مختلف مردم / ۱۳۴۸/۰۸/۰۳

از این صحبت کوتاه، دو نکته را استنتاج می‌کنم: اول این‌که چون رابطه‌ی معنوی ملت و انقلاب ما با ملت‌های دیگر، برای استکبار چیز خطرناکی است، استکبار سعی می‌کند این رابطه را قطع کند. به چند طریق می‌تواند این کار را بکند: یکی این‌که به وسیله‌ی دولت‌های وابسته و مزدورشان، روی آن ملتها فشار آورند که البته این راه، راه موفق‌ی نیست؛ زیرا هرچه فشار را روی آنها بیشتر کنند، علاقه‌ی آن مردم به انقلاب و نظام اسلامی بیشتر می‌شود.

راه دیگر این است که در تبلیغات جهانی طوری حرف بزنند که دل ملتها از ایران سرد بشود. البته، این کار را از اول انقلاب تاکنون انجام داده‌اند. این‌که می‌بینید نسبت مرتجع و بنیادگرا می‌دهند و مرتب آمار شکنجه و اعدام را از کشور ما پخش می‌کنند، برای این است که ملتها را در کشورهای مسلمان و غیرمسلمان، نسبت به ملت ایران و حکومت اسلامی دل‌سرد شوند.

### پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) / ۱۳۴۹/۰۳/۱۰

ملت ایران بخوبی دانسته است که نقطه‌ی قوت و پایداری او، درست همان است که دشمن همه‌ی نیروی خود را در مقابله با آن مصروف می‌کند؛ یعنی توکل به خدا و تمسک به اصول اساسی انقلاب که همه از میانی اسلام سرچشمه گرفته و در کلمات رهبر کبیر انقلاب(رضوان‌الله‌علیه) بر آن تاکید شده است. خشم و غیظ عنادآمیزی که در به‌کاربردن واژه‌ی «بنیادگرایی» در اظهارات خصمانه‌ی رسانه‌های دشمن، از اول انقلاب تا امروز محسوس است، ناشی از درماندگی و سراسیمگی آنان در برابر پایداری رهبر و ملت و نظام ما به اصول اساسی انقلاب است.

### پیام به کنگره عظیم حج / ۱۳۷۰/۰۲/۲۶

مسلمین، بخصوص جوامعی که نسیم آزادی و قیام‌الله بر آن وزیده، و بالاخص علما و روشنفکران و پیشگامان آنان، باید مراقب باشند که در این دام نیفتند؛ از عنوان بنیادگرایی ترسند؛ از تهمت ارتجاع و سنت‌گرایی آشفته نشوند؛ برای راضی کردن دشمنان خبیث و حسابگر، از اصل اسلامی خود، از احکام نورانی اسلام، از تصریح به هدفهای جامعه‌ی دینی و نظام توحیدی، تبری نجویند و به سخن خدا گوش فرا دهند که: «ولن ترضی عنک الیهود و لالنصارى حتى تتبع ملتهم» و «قل یا اهل‌الکتاب هل تقمون منا الا ان امانا بالله و ما انزل الینا و ما انزل من قبل و ان اکثرکم فاسقون» و «فلعلک تارک بعض ما یوحى الیک و ضائق به صدک ان یقولوا لولا انزل علیه کنز اوجا معه ملک» و «ما تقموا منهم الا ان یومنوا بالله العزیز الحمید»

### بیانات در دیدار مدیران شبکه‌ی دوم سیما / ۱۳۷۰/۱۱/۰۷

ممکن بود یک روز ما فکر کنیم که دولتهای اروپایی یا امریکایی یا کشورهای عربی به ما چه کار دارند؛ سیاستی دارند و می‌خواهند مخاطب خودشان را سرگرم کنند - آن‌که نفتی است، نفتی؛ آن‌که آن روز سوسیالیست بود، سوسیالیست - اما امروز دیگر این فکر را نمی‌توانیم بکنیم. می‌بینید که امروز در دنیا چه خبر است. می‌بینید که از اثرگذاری اسلام و ساخت انسان مسلمان و آنچه آنها به آن «بنیادگرایی اسلامی» می‌گویند، چه وحشتی در دنیا هست. آیا معقول است که بر اساس این وحشت برنامه‌ریزی نکنند؟ آیا می‌شود چنین چیزی را فرض کرد؟ اصلاً چنین چیزی ممکن نیست.

### بیانات در دیدار مدیران شبکه‌ی دوم سیما / ۱۳۷۰/۱۱/۰۷

بی‌شک در درون کشور ما کسانی هستند که همان انگیزه‌های ضدیت با این گرایش به اصطلاح «بنیادگرایی» را دارند؛ شما از آنها اصلاً رودریاستی نکنید. در تنظیم برنامه‌ی ادب و هنر، یا تنظیم برنامه‌ی کودکان، یا فیلم و سریال، هیچ‌وقت این فکر را نکنید که اگر ما این گرایش را نشان دادیم، ممکن است یک تیب روشنفکری که مثلاً خوانندگان فلان مجله‌ی هفتگی هستند، خوششان نیاید؛ به‌درک، خوششان نیاید! شما اصلاً کاری را نکنید که آنها خوششان نمی‌آید؛ هیچ ملاحظه‌ی این چیزها را نکنید؛ نگویید ما این شخصیت را باید تجلیل کنیم، شاید آنها جذب بشوند؛ نه، شما ببینید آیا در تجلیل این شخصیت، نقطه‌ی منفی‌ی وجود ندارد؟ نگویید ما باید با این آقا مصاحبه کنیم، یا سخنرانی این آقا را در فلان سمینار یا در فلان مجموعه پخش کنیم، برای این‌که آن جناح هم به این کانال علاقه‌مند بشوند؛ نه، شما نگاه کنید ببینید آیا این حرکت شما برای آن هدفگیری اصلی - که گفته شد - ضرری دارد یا ندارد؛ اگر ضرر دارد، اصلاً ملاحظه نکنید که فلان کسان ممکن است با این کار جذب بشوند؛ نه، بگذارید جذب نشوند؛ کاملاً صریح عمل کنید.

### بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی / ۱۳۷۱/۰۱/۱۵

ابتدا می‌گفتند ما با «بنیادگرایی» مخالفیم. بنیادگرایی اصطلاحی است که آنها در خصوص پابندی ایمانی ملت مسلمان به قرآن و اسلام به کار می‌برند. به همین که شما اسلام و قرآن را دوست می‌دارید بنیادگرایی می‌گویند و در دنیا آن را یک دشنام می‌دانند! بعضی بی‌عقلها هم در گوشه و کنار دنیا باورشان شده است و تا می‌گویند «شما بنیادگرایید»، فریاد برمی‌آورند: «ما بنیادگرا نیستیم!» انگار بنیادگرایی خصوصیت بدی است! بنیادگرایی یعنی پابندی به اصول درست و متقن. این، بنیادگرایی است. باری؛ ابتدا می‌گفتند: «با بنیادگرایی مخالفیم». بعد دیدند نه؛ اسلام در هر جا که هست؛ آنجا که ایمان با او همراه است و آنجا که مردم دلشان به یاد اسلام می‌تپد، همین خطر، عینا وجود دارد. لذا شما ملاحظه کردید که در جمهوریهای شوروی سابق، آمریکاها با دستپاچگی خودشان را رساندند و تلاش کردند تا شاید بتوانند مردم را از اسلام، از رابطه‌ی با اسلام و ایران اسلامی باز دارند. البته ممکن است بعضی آدمهای غافل در این سرزمینها تحت تاثیر قرار گرفته باشند؛ اما ملت آذربایجان، ملت ترکمنستان، ملت ازبکستان، ملت تاجیکستان و سایر ملت‌های بزرگی که در آن نقطه از جهانند و مسلمانند، دلشان به عشق اسلام می‌تپد. دلپش هم این است که بعد از هفتاد سال که نامی از اسلام نبوده و هرچه بوده ضداسلام بوده، بدون این‌که کسی تبلیغی کرده باشد، شعار اسلام می‌دهند. این، نفوذ اسلام رانشان می‌دهد.

### پیام به کنگره عظیم حج / ۱۳۷۱/۰۲/۱۲

ارتباطات فشرده‌ی آمریکا و عواملش با دولت‌های تازه مستقل آسیای میانه، برای ترساندن آنان از گرایش‌های اسلامی و آنچه آنان نام «بنیادگرایی» بر آن می‌گذارند؛ موضعگیریهایی خصمانه‌ی آنان در برابر بیداری اسلامی در همه‌جا و به عنوان نمونه‌ی بارز با حرکت سیاسی پیرومندان مسلمانان، در الجزایر؛ رفتار حيله‌گرانه و غدرآمیز آنان با ملت عراق و افکندن آنان در وضعیت غم‌انگیز و مظلومانه‌ی کنونی؛ دشمنی عنادآمیز آنان با زمامداران سودان که صرفا عکس‌العمل گرایش اسلامی آنان است و دهها نمونه‌ی دیگر در سرتاسر جهان، مجموعا شواهد انکارناپذیری بر خصومت علنی آمریکا و دیگر سلطه‌گران، نسبت به اسلام و بیداری اسلامی و بازافتن هویت اسلامی از سوی مسلمین جهان است.

### بیانات در دیدار جمعی از روحانیون / ۱۳۷۱/۱۱/۲۵

در این چند سال اخیر، یعنی از حدود پنج، شش سال پیش به این طرف، سیاست‌های استکباری هر چه توانستند تلاش کردند تا اسلام را در چشم توده‌های مردم و ملتها، بی‌آبرو و بی‌اعتبار کنند. نه در چشم توده‌هایی که مسلمان نیستند، بلکه در چشم ملت‌های مسلمان! سعی کردند اینها را به اسلام بی‌عقیده کنند. به چه نحو؟ به این نحو که جوانانشان را بی‌اعتقاد و سرگرم فساد کنند؛ ذهنشان را با شبهات مشغول کنند و آنها را از آن ایمان عمیق دور کنند. در کشور ما هم تلاش کردند. در دیگر کشورهای اسلامی - در عراق، در کشورهای شمال آفریقا و در کشورهای شرق اسلامی - هر چه توانستند کردند. یکی از موضوعاتی را که به شدت تبلیغ کردند بنیادگرایی اسلامی است! گفتند: «اسلام، غیر از بنیادگرایی اسلامی است. ما با اسلام مخالف نیستیم؛ بلکه با بنیادگرایی مخالفیم!» بنیادگرایی یعنی چه؟ برداشت من و شما از بنیادگرایی، غیر از متفاهم توده‌ی مردم و فضای ذهنی مردم در غرب است. بنیادگرایی از نظر ما، یعنی پابند بودن به اصول و بنیادهای دینی. این‌که چیز بدی نیست؛ ما افتخار هم می‌کنیم. وقتی هم می‌گویند «آقا، شما بنیادگرا هستید»، می‌گوییم «البته که ما بنیادگرا هستیم». انکار و نفی هم نمی‌کنیم. پابندی به اصول که بد نیست؛ شرافت اخلاقی هم یک اصل است؛ راستگویی هم یک اصل است؛ عدالت هم یک اصل و بنیاد اخلاقی است؛ خیانت نکردن هم یک بنیاد اخلاقی است، تکذیب کارهای بد هم یک بنیاد اخلاقی است. همه‌ی دنیا هم به این بنیادها و نهادهای اخلاقی پایبندند و به آنها افتخار می‌کنند و کسی هم آنها را بد نمی‌داند. ما از بنیادگرایی، استنباطی این گونه داریم و البته با این دید، درست هم هست. حتی می‌بینیم که در بعضی از ممالک، دولت‌ها مردم را در پابندی به سنن پوسیده‌ی بی‌معنی قومی، تشویق می‌کنند. استخوان پوسیده‌ی اجدادشان را از گورها بیرون می‌آورند و به آنها تقدس می‌بخشند! در همین کشورهای گوناگون اروپایی، مردم تشویق می‌شوند که برخی از سنن و آداب پوسیده‌ی قدیمی بی‌معنا را حفظ کنند. پس، ایراد ندارد که انسان به اصول دین؛ به اصول عالی‌ه‌ی ایمان و معرفت دینی، پایبند باشد.

برطبق نظر و برداشت ما، این امر، پسندیده است. اما در تداول فرهنگی غرب، بنیادگرایی را با تحجر و حالت بسته بودن بروی حرف حساب و نفهمیدن منطق برابر می‌دانند و در حقیقت ما را به این متهم می‌کنند! نمی‌گویند اینها پایبند به توحیدند. وقتی می‌گویند بنیادگرا هستید، معنایش این نیست که اینها پایبند به توحید و صدق در کلام و زهد نسبت به پدیده‌های مادی‌اند. می‌گویند اینها متحجرند! اینها چشم بروی پیشرفتهای دنیا می‌بندند! یعنی یک تهمت و یک دروغ. به این وسیله می‌خواهند اسلام را از چشم جوامع مسلمان بیندازند و توده‌های مسلمان را نسبت به دینشان بی‌اعتقاد کنند. همچنین می‌خواهند بی‌اعتقادی را در توده‌های غربی که به اسلام گرایش دارند، بیشتر کنند. این، از جمله کارهایی است که همراه با تبلیغات می‌کنند.

### خطبه‌های نماز جمعه تهران / ۱۳۷۱/۱۲/۰۷

به طور کلی امروز استکبار جهانی با چشم غره‌ی عجیبی به جهان اسلام نگاه می‌کند! این را بدانید. هر جا احساسات اسلامی هست، استکبار با خشم، بداخلاقی و بدرفتاری، با آنجا برخورد می‌کند. هر کس که نسبت به مسلمانان سختگیری کند، مورد لطف گردن‌کلفتها و مستکبرین امروز دنیا - اعم از آمریکا یا کسانی که به آن بزرگی و به آن گردن‌کلفتی هم نیستند اما جهتگیری و هدف‌گیری‌شان نسبت به اسلام و مسلمین همان است - قرار می‌گیرد. البته علی‌رغم همه‌ی دشمنی‌های دشمنان، اسلام پیش می‌رود. امروز، اسلام از سال گذشته توسعه‌اش بیشتر شده است. این‌که می‌بینید رادیوها و تبلیغات جهانی، جنجال می‌آفرینند و می‌خواهند وانمود کنند که اصولگرایی اسلامی و اسلام مبارز، از چشم مردم دنیا افتاده است، از آن دروغها و ترفندهایی است که با زحمت زیاد سعی در انتشارش دارند. قضیه به عکس است. اگر گرایش به اسلام از چشم ملت‌ها افتاده بود، مجبور نبودند این‌قدر در شمال آفریقا و کشورهای عربی و کشورهای آسیای میانه، برای مقابله با موج اسلام‌خواهی، پول خرج کنند. اسلام روزه‌روز در دل‌های مردم نفوذ بیشتری پیدا می‌کند. البته یکی از علل و عوامل این توسعه، همین است که ملت ایران، به فضل الهی خواستار انقلاب خود بود و ماند و علی‌رغم همه‌ی حرف‌ها و شایعه‌هایی که دشمنان سعی می‌کردند راه بیندازند، این حضور عظیم شما در بیست‌ودوم بهمن، مشت محکمی بود که بر دهان دشمنان کوبیده شد.

### پیام به کنگره عظیم حج / ۱۳۷۲/۰۲/۲۸

تبلیغات مدرن و دارای پوشش جهانی، بی‌شک کارآمدترین حربه‌ی استکبار است. امروز تعداد رسانه‌های صوتی و تصویری و مطبوعاتی‌بی که بیشترین تلاش خود را وقف دشمنی با اسلام کرده‌اند، بسیار زیاد و همچنان رو به افزایش است. کارشناسانی مزدور، فقط سرگرم ساختن و پرداختن مطلب و خبر و تحلیل، برای گمراه کردن ذهن مستمعان خود و معرفی نادرست و ترسیم زشت از نهضت اسلامی و شخصیت‌های بزرگ اسلامی‌اند، و جمهوری اسلامی در سال‌های پس از پیروزی انقلاب تا امروز بی‌وقفه و روزافزون با چنین تبلیغات خصمانه‌ی مواجه بوده است. باید گفت که این ترفند نیز در مقابل حرکت اسلامی اصیل و نشأت گرفته از فطرت و نیاز، توفیق زیادی نداشته و مقصود دشمن را برنیاورده است. گسترش موج دعوت انقلابی امام راحل عظیم‌الشان در سراسر دنیا اسلام و حضور فکر و نام و رهنمود و عکس و نشان آن بزرگوار در شرق و غرب عالم، با وجود آنچه تبلیغ دروغ و سخن ناحق که به نیت مخدوش کردن سیمای ملکوتی آن وارث پیامبران، گفته و پخش شده‌است، روشنترین دلیل این مدعا است. با این همه باید اذعان کرد که عامل مهم در حفظ سلامت و سداد فکر ملت‌های مسلمان، روشنگری‌های علما و روشنفکران و نویسندگان و هنرمندان و جوانان فعال و آگاه است. و همه بخصوص علما متعهد دین در این مورد وظیفه‌ی بزرگ بر عهده دارند. دشمن پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، همواره تا امروز سیاهه‌ی از اتهامات را متوجه ایران اسلامی کرده است. می‌بینیم که همان تهمت‌ها امروزه به همه‌ی نهضت‌های اسلامی در هر جای دنیا که باشند نیز زده می‌شود. تهمت تعصب و جمود فکری که از آن، با عنوان «بنیادگرایی» نام می‌برند، تهمت تروریسم، تهمت بی‌اعتنایی به حقوق

بشر، تهمت ضدیت با دموکراسی، تهمت بی‌اعتنایی به حقوق زنان، تهمت ضدیت با صلح و طرفداری از جنگ، اندکی انصاف، هر کسی را به دروغ بودن این تهمتها و بی‌شرمی وارد کنندگانش آگاه می‌سازد. ایران اسلامی در حالی متهم به مخالفت با دموکراسی می‌شود که از پنجاه روز پس از پیروزی انقلاب کبیر اسلامی تا ۱۴ ماه پس از آن، دو همه‌پرسی عمومی، که در یکی از آنها مردم ایران، جمهوری اسلامی را به عنوان نظام سیاسی کشور برگزیدند، و در دیگری به قانون اساسی رای دادند، و سه انتخابات که در آنها به ترتیب: اعضای مجلس خبرگان برای نوشتن قانون اساسی، رئیس‌جمهور و نمایندگان در مجلس شورای اسلامی معین شدند، در آن برگزار شده، و تا امروز همواره انتخابات آزاد، با شرکت پرشور مردم برای تعیین رئیس‌جمهور و نمایندگان مجلس، در موعد قانونی خود انجام گرفته است. تهمت به تروریسم را، کسانی به ایران اسلامی می‌زنند، که خود از دولت تروریست صهیونیستی بیشترین پشتیبانی را کرده و گروههای تروریست ضد انقلاب ایرانی را در زیر چتر حمایت خود قرار می‌دهند و حقوق بگیران آنان صدها بار در داخل ایران اسلامی بمب‌گذاری کرده و هزاران نفر از مردم عادی و عناصر انقلابی و مرد و زن و کودک بیگناه را به قتل رسانده‌اند.

#### بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) / ۱۳۷۲/۰۲/۱۴

این نظر دولت و ملت ماست که معنایش محکومیت قدرتهای مسلط امروز در قضیه بوسنی هرزگوین و مسائل بالکان است. در قضیه مسلمانان تازه استقلال یافته آسیای میانه، مسلمانان کشمیر، مسلمانان آذربایجان، مسلمانان در هر نقطه از آسیا و خاورمیانه و آفریقا، نظر دولت و ملت این است که حق همهی آنهاست که بخواهند به شیوهی اسلامی زندگی کنند؛ احکام شریعت اسلامی را در زندگی خودشان پیاده نمایند و کسی هم حق ندارد جلوشان را بگیرد. قدرتهای غربی به عنوان این‌که رویکرد به احکام شریعت اسلامی، بنیادگرایی است، حتی مانع از برگزاری انتخابات آزاد در بعضی از این کشورها می‌شوند. ما عقیده داریم که این دخالت و تصرف در کار ملتهای مسلمان، ظالمانه و ناقص است. مسلمانان حق دارند به شیوهی اسلامی زندگی کنند و باید به آنها این فرصت را داد. دولت و ملت ایران، تجاوز صهیونیستها را در قضیه لبنان، محکوم می‌کنند؛ مبارزه با صهیونیستها را لازم می‌شمارند و قراردادهای باطل می‌دانند. اینها مواضع مستقل نظام و حکومت اسلامی است و همینها موجب می‌شود که هرم قدرت بین‌المللی، نظام جمهوری اسلامی را متهم کند. اتهاماتی که به ما می‌زنند و اصلاً آنچه به عنوان اتهام مطرح می‌گردد، از این‌جا ناشی می‌شود. این نکته دوم، غالباً تحریف واقعیت است و در موارد متعدد، اشاره به یک نقطه‌ی قوت در نظام جمهوری اسلامی است. مثلاً جمهوری اسلامی را به «بنیادگرایی» متهم می‌کنند و منظورشان از بنیادگرایی، تعصب و تجر است. این در حقیقت همان تسلیم‌ناپذیری ملت و دولت ایران است. همین که در مقابل خواسته‌های غیرمنصفانه‌ی قدرتهای جهانی تسلیم نمی‌شوند، گفته می‌شود: «اینها متحجرند». نه؛ این موضع، موضع حق‌طلبانه‌ی یک ملت مسلمان است و به معنای تجر نیست. اگر بنیادگرایی به معنای احترام به اصول پذیرفته شده است، مقوله‌ی خوبی است، و همه به آن افتخار می‌کنند. اما اگر به معنای تجر و تعصب است، دروغ است و تهمت به دولت و ملت ایران تلقی می‌شود.

#### بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر / ۱۳۷۲/۱۲/۱۱

در گذشته، ایمانهای عمیق، بسیار داشتیم؛ اما ایمانی که ملتها را به عمل و تلاش و جد و جهد وادارد؛ به آنها خط سیاسی بدهد و آنها را در راه یک حرکت عظیم ملی دستگیری کند، نداشتیم. این پدیده و رخدادی جدید است. اگر به کشورهای اسلامی و به گروههای مسلمان در سراسر عالم نگاه کنید، این رخداد و پدیده را مشاهده خواهید کرد. این رخداد و پدیده همان چیزی است که دشمن اسلام از آن نگران است. امروز امریکاییها، محافل صهیونیستی عالم و محافل سرمایه‌داری عمده‌ی دنیا وقتی به چشم دشمن به حرکتهای مومنانه‌ی مردم مسلمان نگاه می‌کنند، اسمش را بنیادگرایی می‌گذارند. البته مقصود آنها از کلمه‌ی بنیادگرایی، التزام به اصول و به پایه‌های فکری و ارزشهای اساسی نیست. مرادشان از کلمه‌ی بنیادگرایی، واپس‌نگری، کهنه‌پرستی و نگاه متحجرانه به مسائل است. یعنی به عنوان یک دشمن، بنیادگرایی را به ملتها نسبت می‌دهند. از نظر آنان، بنیادگرا یعنی متحجر و عقب‌افتاده و دگم و مانند آن! دشمن اگر فحش ندهد باید تعجب کرد. دشمن لجوج که بلندگویی به آن قوت در دست دارد و برای تبلیغات، میلیونها دلار خرج می‌کند، می‌خواهد دشمنانم ندهد؟! معلوم است که دشمنان خواهد داد. ما از دشمنان دادن او هیچ تعجب نمی‌کنیم. اما اگر خودیها حرف او را باور کنند، تعجب دارد. من عرض می‌کنم پدیده مذکور در دنیا، پدیده مبارکی است. به هر دلیلی نگاه کنید، این پدیده مبارک است. برای ملیتها خوب است. برای دولتهای مسلمان - اگر درست دقت کنند - خوب است. برای اقتدار کشورها خوب است. برای تضعیف دشمنان جهانی خوب است. برای ایجاد وحدت بین ملتهای اسلامی خوب است. این که ملتی، سربلند کند و بگوید می‌خواهیم قوانین اسلامی بر ما حکومت کند، بسیار خوب است. جا دارد که دولتها، سیاسیون، روشنفکران و فعالین هر ملت، از این پدیده استقبال کنند که بسیار مغتنم است. بعضی اشخاص و جریانها از این امر می‌ترسند. بعضی از کشورها با این پدیده برخورد خصمانه می‌کنند. ما، در این قضیه با آنها هم عقیده نیستیم. ما می‌گوییم باید این پدیده حرکت‌زا را شناخت. باید محتوا و مغز و لب آن را فهمید و به عنوان عاملی که امروز می‌تواند ملتهای مسلمان را پشتیبانی کند و نجات دهد، پذیرفت و قبول کرد.

#### بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) / ۱۳۷۲/۰۲/۱۴

در کشور خود ما ایران هم همین‌طور بود. برادران و خواهران! کدام یک از شما که آن دوران را درک کرده‌اید، یادتان می‌آید که یک مسلمان، جرات کند در حضور جماعتی در غیر مسجد نماز بخواند؟ اگر کسی در فرودگاهها یا در میدانی در وسط شهر نماز می‌خواند یا اذان می‌گفت، او را مسخره می‌کردند. اسلام را بتدریج قاچاق کرده بودند. در سربازخانه‌ها، اسلام قاچاق بود. در دانشگاهها تا وقتی یک گروه مسلمان مبارز به وجود نیامده بود، اسلام و نماز خواندن قاچاق بود. همه جای دنیا این‌طور بود. بعضی جاها، حتی از ایران هم بدتر بود. پیام بزرگ انقلاب ما، احیای هویت اسلامی در ملتهای مسلمان بود. امروز همه‌ی ملتهای مسلمان، در هر جای دنیا - اعم از اروپا، امریکا و آسیا - به مسلمانی خودشان افتخار می‌کنند. امروز در قلب اروپا، دختر محجبه‌ی دبستانی افتخار می‌کند و می‌گوید: «من مسلمانم و می‌خواهم با حجاب به مدرسه بروم.» امروز ملتی مثل ملت بوسنی هرزگوین، در قلب اروپا، با وجود این همه دشمنی و فشاری که علیه آن هست، می‌ایستد و می‌گوید: «من مسلمانم». خسارت این مسلمانی را هم تحمل می‌کند. چوبش را هم می‌خورد؛ ولی می‌ایستد. روسای کشورهای اسلامی، به خاطر گرایش ملتهایشان به اسلام، مجبورند اظهار مسلمانی کنند و دم از مسلمانی بزنند. امروز روسای استکباری کشورهای مستکبر هم، برای این که دل مسلمانان را به خودشان جلب کنند، می‌گویند: «ما با اسلام موافقیم و طرفدار اسلامیم.» البته دروغ می‌گویند و به زبان می‌گویند؛ اما برای تظاهر هم که شده است، این حرف را می‌زنند. چرا؟ چون امروز اسلام زنده و هویت اسلامی، ارجحند و بزرگ است. چون امروز اسلام عزیز است. چون امروز حرکات اسلامی رو به رشد است و به فضل پروردگار، تا آن روز که «لیظهره علی الدین کله»، این حرکت آزادی اسلامی و پیشرفت تفکر اسلامی، روزبه‌روز در کشورها قویتر خواهد شد. آن وقت که این احساس مسلمانی و هویت اسلامی در ملتها زنده شود، وقتی است که همه‌ی کسان و جناحهایی که نقشه‌هایی علیه اسلام شکل داده‌اند، احساس انزوا، غربت و وحشت می‌کنند. لذا، شما می‌بینید که در همین چند روز قبل، یکی از سردمداران رژیم صهیونیستی گفته بود «ما از لشکرها و ارتشهای عرب نمی‌ترسیم؛ از بنیادگرایی اسلامی می‌ترسیم.» بله؛ ما با این‌که در همه‌ی مسائل با دشمن صهیونیستی مخالفیم، در این یک حرف، با آنها موافقیم. آنچه علاج صهیونیستها را می‌کند، همین بیداری اسلامی است و بس. آنچه می‌تواند سرزمین فلسطین را آزاد کند، بیداری ملتهای مسلمان و بیداری اسلامی است.

#### بیانات در دیدار جمعی از پرستاران / ۱۳۷۴/۰۶/۱۹

ما در تمدن اسلامی و در نظام مقدس جمهوری اسلامی که به سمت آن تمدن حرکت می‌کند، این را هدف گرفته‌ایم که دانش را همراه با معنویت پیش ببریم. این‌که می‌بینید دنیای غرب نسبت به پایبندی ما به معنویت، حساس است؛ بر دینداری ما اسم تعصب و تجر می‌گذارد و علاقه‌مندی ما به مبانی اخلاقی و انسانیت را مخالفت با حقوق بشر قلمداد می‌کند، به خاطر آن است که این روش، ضد روش آنهاست. آنها علم را پیش بردند - البته کار مهم و بزرگی بود - اما جدای از اخلاق و معنویت بود و شد آنچه که شد. ما می‌خواهیم علم با اخلاق پیش برود. دانشگاه همچنان که مرکز علم است، مرکز دین و معنویت هم باشد.

متخرج دانشگاه‌های کشور، مثل متخرج حوزه‌های علمیه، دیندار بیرون بیاید. این، آن چیزی است که آنها نمی‌پسندند و نمی‌خواهند. به همین خاطر، سالهاست که با انواع تهمت‌ها، به جمهوری اسلامی تهمت می‌زنند. این تهمت‌ها آنقدر مکرر شده که برای شنوندگان تنوع‌آور است! جمهوری اسلامی را به تعصب و تجر و - به قول خودشان - بنیادگرایی، یعنی خشکی بی حد و اندازه‌ای که هیچ انعطافی در آن نیست، متهم می‌کنند! اسلام را این‌گونه معرفی می‌کنند؛ در حالی که خشکی آنجاست، زندگی دور از معنویت و عذوق و رحمت و انسانیت آنجاست که حتی محیط گرم خانواده هم قادر نیست کودکان را در خود نگهدارد.

#### بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان / ۱۳۷۶/۰۸/۱۴

من در همین‌جا بگویم که قضیه‌ی ما، قضیه‌ی رژیم امریکاست؛ نه قضیه‌ی ملت امریکا. ما با ملت امریکا کاری نداریم، دشمنی هم نداریم؛ مثل بقیه‌ی ملت‌هایند. البته در این سال‌های طولانی، رژیم امریکا با تبلیغات پیگیر، آن ملت را شستشوی مغزی زیادی داده است. خیلی از افراد ملت امریکا نمی‌دانند که در ایران چه خبر است و اصلاً قضیه‌ی ایران چیست؛ یک چیزهایی شنیده‌اند: ارتجاع و اصولگرایی و ضدحقوق بشر! اینها را دولت‌ها و تبلیغاتچی‌هایشان به آنان گفته‌اند، مردم هم باور کرده‌اند، والا مردم امریکا به خودی‌خود ملتی مثل بقیه‌ی ملت‌ها هستند و ما هم هیچ دشمنی با آنها نداریم. ما با هیچ ملتی دشمنی نداریم. ما با مردم چه کار داریم؟ قضیه‌ی ما، قضیه‌ی رژیم امریکاست.

#### بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۲۱ رمضان / ۱۳۸۰/۰۹/۱۶

حکومت امیرالمومنین در زمینه‌ی اقامه‌ی عدل، حمایت از مظلوم، مواجهه‌ی با ظالم و طرفداری از حق در همه‌ی شرایط، الگویی است که باید از آن تبعیت شود. این کهنگی برادر هم نیست و در همه‌ی شرایط گوناگون علمی و اجتماعی دنیا، می‌تواند برای خوشبختی و سعادت انسان‌ها الگو باشد. ما نمی‌خواهیم از روش اداری آن دوره تقلید کنیم و بگویم اینها مشمول تحول زمانی است و مثلاً روزبه‌روز روش‌های نوبی می‌آید. ما می‌خواهیم از جهتگیری آن حکومت که تا ابد زنده است، تبعیت کنیم. دفاع از مظلوم، همیشه یک نقطه‌ی درخشان است. کنار نیامدن با ظالم، رشوه نپذیرفتن از زورمند و زرمند و پا فشردن بر حقیقت، ارزش‌هایی است که هیچ وقت در دنیا کهنه نمی‌شود. در شرایط و اوضاع و احوال گوناگون، این خصوصیات همیشه با ارزش است. ما اینها را باید دنبال کنیم؛ اصول اینهاست. این‌که می‌گوییم حکومت اصولگرا، یعنی پیرو و پایبند به چنین ارزش‌های ماندگاری که هرگز کهنگی‌پذیر نیست. اتفاقاً زورگواها و قلدراهای دنیا از همین پایبندی ناراحتند. آنها هم از همین خشمگین می‌شوند که چرا حکومت اسلامی در ایران طرفدار مظلومان فلسطین یا طرفدار ملت افغانستان است یا با فلان دولت قلدر و ظالم در دنیا سازش نمی‌کند. این‌که شما می‌بینید بنیادگرایی و اصولگرایی مثل یک دشنام، در دست و دهان دشمنان این ملت می‌چرخد، به خاطر همین است. این اصول، همان چیزهایی است که قلدرا و زورگواهای دنیا از آن متضرر می‌شوند و با آن مخالفند. آن روز با امیرالمومنین هم بر سر همین چیزها جنگیدند. تلاش ما به عنوان حکومت باید این باشد.

#### بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۸۰/۱۲/۲۷

عنصر پنجم، گسترش موج بیداری اسلامی در دنیاست. این‌که متظاهران بگویند ما اسلام را قبول داریم، بنیادگرایی را قبول نداریم، این ناشی از همان سطحی‌نگری و تحلیل‌های ناشیانه‌ای است که اینها غالباً از دنیای اسلام داشتند و چوبش را هم خورده‌اند. امروز موج بیداری اسلامی یک واقعیت جدی و یک حقیقت غیرقابل انکار است. امروز مسلمان‌ها احساس می‌کنند که می‌توانند در دنیا، در وضعیت بشر، در سرنوشت خود، اثرگذار باشند. وقتی این احساس در ملتها به یک نقطه‌ی معینی برسد، تبلور و تجسم خواهد یافت و تبدیل به واقعیت خواهد شد. این را می‌دانند و از این نگرانند. یک نمونه‌اش همین حادثه‌ی بسیار بی‌سابقه‌ی انتفاضه‌ی فلسطین است. شوخی است؟! مردمی بدون سلاح، بدون امکانات، در مقابل یکی از مجهزترین قدرتهای این منطقه، بدون هیچ قید و شرطی مورد کشتار و قتل‌عام و فشارهای گوناگون جسمی و روحی و اقتصادی قرار می‌گیرند؛ درعین‌حال ایستاده‌اند و هفده ماه است که این انتفاضه را ادامه می‌دهند. با کدام تحلیل عادی و معمولی و سیاسی می‌شود این را تحلیل کرد؟ چرا ایستاده‌اند؟ چرا تسلیم نمی‌شوند؟ چرا دشمن با همه‌ی فشارش نمی‌تواند این ملت به‌جان‌آمده‌ی فلسطین را به زانو درآورد؟ این ملت کوچک و محدود و محاصره شده را، که از هیچ‌جا به اینها کمک نمی‌رسد. آن انگیزه و چشمه‌ی جوشانی که در دل‌های اینها وجود دارد که نمی‌گذارد اینها خسته شوند، کدام است؟ از کجا سرچشمه گرفته؟ آن عاملی که مادر فلسطینی را وادار می‌کند که فرزند خودش را بیوسد و برای کشته شدن بفرستد و بعد بگوید اگر صد تا بچه هم داشته‌ام آنها را می‌فرستادم، این عامل چیست؟ این عامل، عامل بسیار مهمی است. این چه عاملی است که در محاسبات سیاسی، در گفتگوها، در مذاکرات دیپلماتیک و در معادلات کمپانی‌ها نمی‌گنجد؟ اینها می‌بینند این را و از آن به‌شدت واهمه دارند. دنبال خشک کردن آن سرچشمه‌اند؛ دنبال نابود کردن آن عامل برانگیزاننده و به وجود آورنده‌اند.

#### بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) / ۱۳۸۱/۰۲/۱۴

البته دولت‌ها و مسوولان در دوره‌های مختلف برای اجرای این اصول می‌توانند تاکتیک‌ها و روش‌های گوناگونی را انتخاب کنند. اساس انقلاب، مثل خود اسلام بر احکام ثابت و احکام متغیر استوار است. یک سلسله احکام، تغییرناپذیر است؛ یک سلسله احکام در شرایط گوناگون تغییر پیدا می‌کند. انقلاب هم همین‌طور است. اجتهاد، خصوصیتی است که این امکان را به یک مسوول می‌دهد تا بتواند به اقتضای شرایط، روش‌ها و راه‌ها و تاکتیک‌های درست را انتخاب کند. البته انتخاب روش و اجتهاد برای پیدا کردن روش نو و مناسب، کار مجتهد است. این غیر از بدعتگذاری یک انسان ناوارد و تجدیدنظر طلب است؛ این کار کسی است که قدرت اجتهاد در این کار را داشته باشد. نقش اجتهاد و مجتهد در نظام اسلامی به همین خاطر است. از آن طرف، به بهانه‌ی تمسک به اصول، تجر را نفی می‌کنیم و می‌گوییم نمی‌شود به بهانه‌ی تمسک به اصول، تجر و ایستایی را بر انقلاب تحمیل کرد - اصولگرایی وجود دارد؛ اما این، تجر و جزم‌اندیشی و نشناختن شرایط مختلف نیست - از این طرف، به بهانه‌ی اجتهاد و تحول، نباید به بدعت‌گذاری‌های ناشیانه و تجدیدنظرطلبانه اجازه‌ی فعالیت و تحرک مضر و مخرب داد. خط روشن امام بزرگوار این است. بنابراین، اصول، اصول ثابتی است. عدالت، مردم‌سالاری، استقلال، دفاع از حقوق ملت در همه‌ی زمینه‌ها، دفاع از حقوق مسلمانان عالم، دفاع از هر مظلومی در هر نقطه‌ی عالم؛ اینها جزو اصول ماست. مبارزه با فساد، ظلم و زورگویی جزو اصول ماست. اینها تغییرناپذیر است - اما ممکن است روش‌های گوناگونی در اوضاع و احوال مختلف وجود داشته باشد.

#### بیانات در دیدار جمعی از اعضای انجمن قلم / ۱۳۸۱/۱۱/۰۸

متأسفانه یک عده اصولگرایی را با تجر اشتباه گرفته و خیال کرده‌اند که اصولگرایی یعنی تجر! در حالی که اصولگرایی به معنای تجر نیست. اصولگرایی یعنی اصول مستدل منطقی را قبول داشتن و به آنها پایبند ماندن و رفتارهای خود را با آن اصول تطبیق کردن؛ مثل شاخصه‌هایی که انسان را در یک جاده هدایت می‌کند. «ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا»، این استقامت کردن، اصولگرایی است. معنای تجر این است که از هر آنچه که به صورت یک باور در ذهن انسان وارد شده، بدون این‌که پایه‌های استدلالی و استناد مستحکمی داشته باشد، بی‌دلیل و متعصبانه دفاع کردن. «اذ جعل الذین کفروا فی قلوبهم الحمیه الحمیه الجاهلیه». «حمیت جاهلیه» گریبان کسانی را می‌گیرد و آنها جاهلانه از یک چیز دفاع می‌کنند. اصولگرایی با این دفاع جاهلانه و حمیت متعصبانه و متحجرانه اشتباه نشود. تا گفته می‌شود تجر، ذهن بعضی به تجر جناح‌های دینی می‌رود. در حالی‌که جناح‌های به اصطلاح روشنفکر و متجدد ما در تجر دست کمی از متحجرین دینی ندارند، بلکه در مواردی به‌مراتب از آنها بدترند. من یادم نمی‌رود، دوران قبل از انقلاب در این مجالسی که با دانشجویان و بعضی از فعالان سیاسی چپ تشکیل می‌شد، اگر کسی حرفی می‌زد که با مبانی مارکسیسم اندک مخالفت و مساسی داشت، استدلال لازم نبود، می‌گفتند این حرف باطل و غلط است! همان که در قرآن می‌گوید: «انا وجدنا اباثنا علی امه». چون این را شنیده‌اند، بر آن پای می‌فشارند و براساس آن هر حرف منطقی را باطل می‌کردند. تجر در آنجا بیشتر

است.

بنابراین اصولگرایی یک حرف است و تجر یک حرف دیگر. همچنان که آزاداندیشی غیر از بی‌بندوباری است. آزاداندیشی یک حرف و بی‌بندوباری یک حرف دیگر است. آزاداندیشی این است که شما در حرکت به سمت سرزمینهای ناشناخته‌ی معارف، خودتان را آزاد کنید، بروید، نیروها و انرژی‌هایتان را به‌کار بیندازید و حرکت کنید؛ اما معنای بی‌بندوباری این است که در حرکت به سمت قله‌ی یک کوه، اصلاً اهمیت ندهید که از کدام راه بروید. نتیجه این می‌شود که از راهی می‌روید و به نقطه‌ای می‌رسید که نه راه پیش دارید و نه راه پس و فقط راه سقوط دارید! در کوهنوردی، آنهایی که اهل رفتن به ارتفاعاتند، این را کاملاً تجربه کرده‌اند.

#### بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۸۲/۰۵/۱۵

ببینید در دنیا دولتهایی که گاهی اعتراضهایی هم به جمهوری اسلامی می‌کنند، قانون اساسی دویست سیصد ساله‌ی خود را محکم نگه داشته‌اند. ارزشهای کهنه‌ی دویست سیصد ساله، بلکه بیشتر را محکم و دو دستی نگه می‌دارند و نمی‌گذارند به آن خدشه وارد شود. شما دیدید در نامه‌ای که سال گذشته عده‌ای از به‌اصطلاح روشنفکران آمریکا برای توجیه جنگ‌طلبی رئیس‌جمهور آمریکا و دار و دسته‌اش صادر کردند، روی ارزشهای آمریکایی تکیه کردند. این ارزشها، ارزشهای «جورج واشینگتن» است که دویست سال از عمر آن می‌گذرد. ارزشهای آمریکایی برای آنها اصل شد، که بر اساس آن ارزشها حتی جنگ‌طلبی و استعمال بمب اتم نیز مطرح گردید. همان روزها «بوش» تهدید کرد که من چند کشور را با بمب اتم می‌زنم! این کار توجیه می‌گردد و جایز شمرده می‌شود. روی ارزشهای خودشان این‌طور تکیه می‌کنند؛ اما وقتی نوبت به ما و قانون اساسی و ارزشهای ما می‌رسد، ما می‌شویم اصولگرا به معنای متحجر! اصولگرایی آمریکایی می‌شود مثبت؛ اما اصولگرایی اسلامی متکی به منطق و عقل و استدلال و تجربه و شوق آزادی‌خواهی و استقلال‌طلبی یک ملت می‌شود یک چیز محکوم، می‌شود فحش؛ اصولگراها! البته مدتی است تعبیر «اصولگراها» را عوض کرده‌اند و می‌گویند «محافظة‌کارها»؛ غافل از این‌که در کشور ما جناحهای مختلف همه‌شان اصولگرایند. البته ممکن است تعدادی تندرو در هر گوشه‌ای وجود داشته باشند، اما جل عناصر کشور ما که در دستگاهها هستند، اصولگرایند و همه‌شان به این اصل معتقدند. این اصول باید در این چشم‌اندازها کاملاً دیده و رعایت شود. ما به مرحله‌ای رسیده‌ایم که می‌توانیم و باید این بنا را بر اساس این اصول حفظ کنیم و پیش برویم.

#### دیدار اعضای ستاد برگزاری مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی(ره) با رهبر انقلاب / ۱۳۸۸/۰۲/۱۱

پروردگار حکیم، آن بنده صالح خود را به گونه‌ای آفریده و پرورش داده بود که بدون کوچکترین احساس حقارت، در مقابل هجوم گردنکشان سیاسی جهان می‌ایستاد و در مقابل سیل تهمت‌هایی که اصول او را ارتجاعی و بنیادگرایی می‌خواندند با افتخار و عزت کامل، از اسلام ناب دفاع می‌کرد و به همین دلیل به نماد حقیقی عزت ملی مردم ایران تبدیل شد.

□

#### مقالات مرتبط با کلیدواژه «بنیادگرایی» :

بنیادگرایی: مفهومی غیر منطبق بر واقعیت در توصیف دولت اخلاقی شیعه / نویسنده : احمد بخشایشی اردستانی / ۱۳۷۴/۰۷/۰۱